

به نام خداوند جان و خرد

### در خاور میانه چه میگذرد؟

اطلاعاتی اوبود از این موقعیت نارضایتی های مردم استفاده نمود وبا یک کودتا زمام امور تونس را در اختیار گرفت . بن علی از بیست و سه سال قبل رئیس جمهور تونس بوده است . ولی داستانی شبیه حکومت بورقیبه در مورد اونیز تکرار شد باز هم به تدریج سقوط در ورطه فساد مالی و ثروت اندوزی و به دنبال آن گرایشات استبدادی و دیکتاتوری و ظلم و بی عدالتی . مردم تونس بعلت موقعیت جغرافیائی خاص و مجاورت با اروپا و مرادوت با اروپائیان از سطح دانش و فرهنگ بالائی برخوردارند . افراد تحصیل کرده در میان آنان زیاد است ونسبت بیسوادى اندک . درآمد سرانه مردم تونس حدود ده هزار دلار است که علی القاعده میتواند زندگی نسبتا مرفهی را برای آنان فراهم نماید . ولی فساد مالی حکومتگران ، عدالت اجتماعی را از بین برده وتوزیع نا عادلانه ثروت همراه استبداد و ظلم رژیم برای مردم قابل تحمل نبود . و یک جرقه توانست جامعه آنان را منفجر نماید . وقتی یک جوان تحصیل کرده بیکار به ناچار مجبور به پهن کردن بساط سبزی فروشی گردید وعوامل حکومت بساط او را بهم ریختند و در مقابل اعتراض وی ، او را مورد ضرب وشتم و اهانت قرار دادند ، او از شدت نا امیدی وعصبانیت خود را به آتش کشید وبه دنبال آن پایه های بنای حکومت استبدادی تونس نیز توسط مردم به خشم آمده به آتش کشیده شد . هزاران نفر از مردم ناراضی به حمایت از «ابوعزیز» واعترض به حکومت به خیابان ها ریختند وروز به روز وساعت به ساعت بر شدت اعتراض آنها وسطح مطالباتشان افزوده گردید وپس از حدود یک ماه مبارزه مردم و کشته شدن حدود هشتاد نفر و زخمی شدن صدها نفر در خیابان ها سرانجام در روز ۲۵ دیمه بن علی دیکتاتور فاسد تونس فرار کرد وبه عربستان گریخت و مردم تونس موافقت کردند تا یک دولت موقت امور حکومت را اداره نماید وظرف مدت دو ماه با انجام انتخابات آزاد ، دولت منبعث از آراء مردم را بر اریکه قدرت بنشانند . با پیروزی ملت تونس جنبش آزادیخواهانه و عدالت طلبانه آنان به سایر کشورهای خاور میانه سرایت نموده و امروز شاهدیم که ناقوس آزادی در تمام کشورهای منطقه به صدا در آمده است وملت های تحت ستم حکومت های دیکتاتوری و استبدادی وابسته به استعماریکی پس از دیگری بر میخیزند وفارغ از هر گونه گرایش ایدئولوژیک ، ندای آزادی واستقلال وعدالت سر میدهند . امروز ملت مصر در پیشاپیش این جنبش عظیم منطقه ای قرار دارد وخواستار پایان دادن به حکومت استبدادی برخاسته از انتخابات قلابی است . واکنون مردم مصر در هنگام رقم خوردن این سطور پس از چندین روز مبارزه شبانه روزی و دادن صدها نفر کشته موفق شدند حسنی مبارک دیکتاتور مصر را ناگزیر به دادن استعفا و کنار رفتن از قدرت نمایندند . بدنبال مصر ملت های یمن ، اردن ، الجزایر و سوریه جنبش خود را آغاز نموده اند . فردا نوبت کجاست ؟ امید آنکه این ملت های به پا خاسته هوشیار باشند و در دام نیرنگ های استعماری ومناقشات بین آنها گرفتار نشوند و از چاله یک حاکمیت استبدادی وابسته به استعمار ، به چاه یک حکومت استبدادی از قبل طراحی شده دیگر سقوط نکنند وبدانند که تنها راه رهایی و اعتلا دموکراسی است وبس .

خاور میانه از نظر جغرافیائی منطقه ایست حساس و استراتژیک که حاوی بخش عظیمی از منابع انرژی جهان است در نتیجه منطقه ایست ثروتمند که میتواند بازار بسیار جذابی برای کشورهای صنعتی و قدرت های اقتصادی دنیا تلقی شود . به همین دلیل است که جای پای این قدرت ها از دیر باز در کشورهای منطقه خاور میانه قابل ردیابی است . در راس این قدرت های استعماری باید از انگلیس و فرانسه نام برد که اندک زمانی پس از جنگ بین المللی اول واضمحلال امپراطوری عثمانی در پشت میز مذاکره یا بهتر است گفته شود پشت میز معامله ، نقشه منطقه خاور میانه را پهن کرده و منطقه را به دو حوزه نفوذ بین خود تقسیم کردند . در کنار این دو قدرت اروپائی ، سایر کشورهای کوچکتر اروپا نیز کوشیدند تا حتی المقدور نفوذ و منافعی در این منطقه برای خود دست و پا کنند . اتحاد جماهیر شوروی سابق هم به روال خود از طریق ایجاد و خط دادن به احزاب کمونیست دست نشانده خود کوشید در کشورهای خاور میانه برای خود جای پائی بیاید . پس از جنگ جهانی دوم آمریکا نیز بعنوان ابر قدرتی که تا قبل از جنگ بیشتر توجه به درون قاره خود داشت و کمتر سبقه استعماری از آن دیده شده بود تمایل به نفوذ در این منطقه را از خود نشان داد . حمایت از تشکیل دولت اسرائیل ومشارکت در کودتای طراحی شده توسط استعمار پیر انگلیس در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت ملی مصدق در ایران جزو اولین تحرکات چشم گیر آمریکا در منطقه بود . طبیعی است که همه این قدرت های فرا منطقه ای برای ایجاد وحفظ منافع برای خود در کشورهای منطقه در رقابت با یکدیگر بوده وبه یک جنگ پنهان ومناقشه نا پیدا مشغول بوده وباشند . و طبیعی است که برای حفظ نفوذ و منافع خود در این کشور ها رژیم های دیکتاتوری وفاسد و دست نشانده خلق نموده واز آنها حمایت نمایند . حکومت های جمهوری مادام العمر و بعضا جمهوری موروثی و حکومت های سلطنتی مطلقه موروثی و امارت شیوخ به شیوه های قرون وسطائی از این دست اند . ولی امروز در قرن بیست و یکم وعصر ارتباطات و آگاهی ملت های تحت ستم ، تحولات و تغییرات در منطقه همانگونه که شاهدیم اجتناب نا پذیر است . اولین طنین ناقوس تحول در تونس به صدا در آمد . تونس کشوری است در شمال آفریقا در کنار دریای مدیترانه با جمعیتی حدود ده میلیون نفر . سالها زیر سلطه اسپانیا بوده وبعد فرانسوی ها جانشین اسپانیا شده وتونس را تحت استعمار خود در آوردند . بالاخره در سال ۱۹۵۴ جنبش استقلال طلبانه ملت تونس به رهبری حبیب بورقیبه به پیروزی رسید . عمل کرد حکومت بورقیبه در سالهای نخست تا حدی قابل قبول بود . آزادیهای اساسی مردم تونس را محترم میشمرد واقدماتی در جهت سازندگی وبالا بردن سطح زندگی مردم انجام داد . ولی به تدریج فساد مالی و ثروت اندوزی در او و اطرافیان و بستگانش بروز کرد وبدیهیست که بدنبال این فسادها ، تمایلات استبدادی و گرایشات دیکتاتوری نیز رخ مینماید . به همین جهت زمینه های نارضایتی در جامعه تونس پدیدار گردید . در سال ۱۹۸۷ زین العابدین بن علی که در حکومت بورقیبه اداره کننده بخش نظامی